

# بابل و آرماگدون [نبرد نهائی]



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸، باب ۱۶ آیه ۱۹؛ اشعیا باب ۵۲ آیه ۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰، باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۶؛ اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴۰؛ اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۱ و ۲.

**آیه حفظی:** «بر پیشانی او این اسم مرموز نوشته شده بود: بابل بزرگ، مادر فاحشه ها و فساد دنیا» (مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۵).

کتاب مکاشفه یوحنا همانطور که پیش از این اشاره کرده ایم، پر از تصاویر و سخنان مستقیماً گرفته شده از عهد قدیم می باشد. برای مثال، نام بابل شش بار در مکاشفه یوحنا دیده می شود. اما در مورد پادشاهی باستانی نبوکدنصر که صدها سال قبل در تاریخ جهان وجود داشت، صحبت نمی کند. در عوض، یوحنا از تصاویر عهد قدیم برای بیان یک حقیقت استفاده می کرد. در این مورد، بابل — یک قدرت سیاسی و مذهبی عظیم که قوم خدا را مورد ظلم قرار داده بود — اکنون قدرت های سیاسی و مذهبی بزرگ را که بدنبال انجام همان کار در روزهای پایانی جهان هستند را توصیف می کند. مورد مشابهی در رابطه با واژه آرماگدون اتفاق می افتد که تنها در مکاشفه یوحنا رخ می دهد اما بر اساس یک عبارت عبری است که به نظر می رسد به معنای «کوه مگدو»، اشاره به مکانی در اسرائیل کهن باشد. گمانه زنی های بسیاری در مورد آرماگدون وجود دارد، بسیاری از مردم بدنبال نبرد نظامی گسترده ای در آنجا، در مگدو نزدیک به پایان جهان می باشند.

این هفته ما به بابل و آرماگدون خواهیم پرداخت و بدنبال فراگیری آنچه کتاب مقدس در مورد این تصاویر به ما می گوید، خواهیم بود.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ ژوئن آماده شوید.

## «شراب غضب او»

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸، باب ۱۶ آیه ۱۹، باب ۱۷ آیه ۵، باب ۱۸ آیات ۲، ۱۰ و ۲۱، شش ارجاع به بابل در کتاب مکاشفه یوحنا را بخوانید. با در نظر داشتن روایت بابل آنگونه که در عهد قدیم آمده است، این آیات چه چیزی درباره بابل آنگونه که در زمینه رویدادهای روزهای پایانی نمایان شده است، به ما تعلیم می دهند؟

چنین گفته شده است که کتاب مقدس افسانه دو شهر، اورشلیم و بابل می باشد. در حالی که اورشلیم در سرتاسر کتاب مقدس به عنوان شهر خدا و قوم عهد بسته او بود (مزامیر باب ۱۰۲ آیه ۲۱، اشعیا باب ۵۲ آیه ۹، باب ۶۵ آیه ۱۹، مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۱۲)، بابل نشان ظلم، خشونت، مذهب دروغین و شورش آشکارا علیه خدا بوده است. برای مثال به برج بابل بیاندیشید (پیدایش باب ۱۱ آیه ۹). واژه عبری برای «بابل» همان واژه برای پادشاهی «بابل» می باشد. پطرس در رساله اش، اول پطرس باب ۵ آیه ۱۳، از کلیسای «بابل» درود می فرستد که بطور کلی به این معناست که نه از خرابه های پادشاهی قدیمی واقع در عراق امروزی بلکه از خود رم که قرار است بزودی دشمن کلیسا شود. این یک وجه تسمیه جالب در پرتو کتاب مکاشفه یوحنا و نقش رم آنگونه که در آن ارائه شده است، می باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ و باب ۱۸ آیه ۳ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره تأثیر بد بابل بر جهان و قوم خدا نمایان می سازند؟

شکی نیست که قدرتی که بابل بیانگر آن است، آنگونه که در کتاب مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است، تا حد زیادی با این تأثیر مخرب که در سرتاسر جهان به نوعی گسترش یافته است، فاسد می باشد. عبارت «شراب غضب زنای او» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸) به وضوح اشاره ای به آموزه نادرست، اصول نادرست و عادات فاسد و نتایجی که از آن بر می آید، می باشد. بابل نیرویی برای شرارت است که به «همه ملت ها» شیوع یافته است (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۳). از این رو، همه باید احتیاط کنند تا مبادا آنها نیز فاسد شوند.

به اطراف و جهان امروز بنگرید: فساد، سردرگمی، ظلم و ستم. این باید چه چیزی در مورد نیازمان به متصل شده به عیسی و کلام او به ما بیاموزد؟

## بابل سقوط کرده است

فساد و تأثیر بابل بر جهان هر چقدر هم دور از دسترس بوده است کتاب مکاشفه یوحنا چنین تعلیم می دهد که روزی همه این‌ها پایان خواهند یافت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره «بابل بزرگ» به ما می‌گویند؟

پیام فرشته دوم (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸) در مورد سقوط بابل در اینجا در مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۲ تکرار شده است. این بیانی از میزان فساد این نهاد می باشد.

«کتاب مقدس بیان می کند که پیش از آمدن خداوند، شیطان با انواع آیات و نشانه‌ها و معجزات فریبنده کار خواهد کرد و اینکه کسانی که عشق به حقیقت را که می تواند آنان را نجات بخشد قبول نکردند، رها خواهند شد تا گرفتار نیروی گمراه کننده شوند تا آنچه که دروغ است باور کنند. دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۱. تا زمانی که این شرایط بدست نیاید و اتحاد کلیسا با جهان از طریق عالم مسیحیت بطور کامل انجام نشود، سقوط بابل کامل نخواهد شد. تغییر متری بوده و تحقق کامل مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ همچنان در آینده باید اتفاق بیافتد.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 389, 390

اینکه آیا «تحقق کامل» اینک آمده است، تنها خدا می داند. اما چیزی که ما می دانیم این است که مطابق با این آیات، بابل روحانی روزی به دلیل شرارت بزرگش با داوری خدا روبرو خواهد شد. «زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلم هایش را به یاد آورده است» (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۵). این عبارت کلام عهد قدیم درباره بابل را نیز منعکس می کند (ارمیا باب ۵۱ آیه ۹ را ببینید) و بدین معناست که زمان داوری مطمئناً خواهد آمد.

مطمئناً این داوری پیش رو نباید تعجب آور باشد. گذشته از هر چیز، بابل قدیمی با داوری روبرو شد (دانیال باب ۵ را ببینید). کتاب مقدس در موقعیت های متعددی در این باره بسیار واضح است که روزی همه از جمله بابل باید برای اعمالشان پاسخگو باشند. چقدر آرامش بخش است که بدانیم ما مسیحیان شفاعت کننده ای در این داوری داریم که برای ما خواهد ایستاد (اول یوحنا باب ۲ آیه ۱؛ دانیال باب ۷ آیه ۲۲). در غیر این صورت، سرنوشت ما ممکن بود بهتر از بابل نباشد.

چگونه می‌توانید در این وعده که همه بی‌عدالتی‌ها و شرارت‌ها که به نظر اکنون بدون مجازات می‌آیند، روزی با کیفر نهایی توسط خدا روبرو خواهند شد، آرامش بدست آورید؟

۱۹ ژوئن

سه شنبه

## آرماگدون

اگر چه بسیاری از مردم از جمله بسیاری از مسیحیان چیز زیادی در مورد کتاب مکاشفه یوحنا نمی‌دانند، یک تصویر یا واژه از آن به فرهنگ عامه رسیده است: آرماگدون (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۶ را ببینید). حتی در فرهنگ غیر روحانی، این واژه برای نبرد پایانی که در آن سرنوشت زمین تعیین خواهد شد بکار برده شده است. هالیوود فیلمی به نام آرماگدون تولید نموده است که درباره یک شهاب آسمانی بزرگ است که آماده برای از بین بردن زمین می‌باشد. به نوعی ایده پایان جهان در ذهن افراد غیر روحانی نیز وجود دارد.

بسیاری از مسیحیان که با کتاب مکاشفه یوحنا آشنا هستند و آن را باور دارند، نبرد آرماگدون را به عنوان یک نبرد نظامی واقعی در خاورمیانه نزدیک به پایان جهان می‌بینند. یک نسخه، ارتش ۲۰۰ میلیون نفری از آسیا می‌باشد که شمال اسرائیل را با خاک یکسان می‌کند. دیگران بر نبردهای نظامی و سیاسی متعدد دیگر تمرکز دارند که در آن بخش از دنیا که به نظر ایشان صحنه نبرد نظامی نهایی آرماگدون در منطقه مگدو خواهد بود.

با این حال، کتاب مقدس تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهد. کتاب مقدس آرماگدون را به عنوان نقطه اوج نهایی نه میان ستیز ملت‌ها بلکه میان دو طرف نبرد کیهانی نشان می‌دهد. این یک نبرد مذهبی و نه اقتصادی یا سیاسی می‌باشد، با این حال ممکن است عوامل اقتصادی و سیاسی زیادی در آن نقش داشته باشند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۶ را بخوانید. تنها از این آیات چه چیزی درباره آرماگدون می‌توانیم بیاموزیم؟

نخست، به نمادین بودن زبان در اینجا توجه کنید. ارواحی مانند قورباغه که از دهان ازدها، دهان نبی دروغین و دهان وحش بیرون می‌آیند (اشاره به قدرت‌های باب ۱۳ مکاشفه یوحنا؛ «نبی دروغین» در اینجا باید اشاره به وحش زمین در مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۱ داشته باشد). نبرد بزرگ نیز در اینجا دیده می‌شود چنانچه «ارواح شیاطین» (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۴) در «روز بزرگ خدای قادر مطلق» (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۴) به نبرد می‌روند. آرماگدون به هر نحوی آشکار شود، نبردی جهانی میان نیروهای

مسیح و شیطان خواهد بود. این نه نبردی محلی در منطقه مگدو یا بابل در مکاشفه یوحنا که درباره رویدادهای گوشه ای از عراق امروزی صحبت می کند، نمی باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ را بخوانید. چقدر جالب توجه است که در میان این رویدادها، عیسی با پیام انجیل، هم وعده آمدنش و هم نیاز ما به پوشیده شدن در عدالت او، ما را تشویق می کند. این چگونه به ما در درک ماهیت روحانی نبردی که در آن هستیم، کمک می کند؟

## چهارشنبه

۲۰ ژوئن

### آرماگدون و کوه کرمل: بخش اول

اما نبرد بزرگ آرماگدون چیست؟ نخست، به نظر می رسد نامش به معنی «کوه مگدو» باشد. با این وجود، هیچ کوهی در منطقه مگدو یا مجدو وجود ندارد، اما کوه کرمل در مجاورت آن واقع شده بود و محققان عبارت کوه مگدو را اشاره به کوه کرمل می دانند. مهم تر اینکه دانش آموزان کتاب مقدس، روایت ایلیا (الیاس) و انبیاء دروغین بعل بر کوه کرمل را به عنوان نماد و نوعی از آنچه در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا قرار است آشکار شود، دیده اند. همانطور که دیروز دیده شد، مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳ با اشاره اش به اژدها، وحش و نبی دروغین، به رویدادهای مکاشفه یوحنا باب ۱۳، تثلیث تقلبی که در هفته نهم دیدیم، اشاره می کند.

مسائل در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا در آیات ۱۳ و ۱۴ شروع به اوج رسیده می کنند، زمانی که وحش دوم کارهای فوق طبیعی انجام می دهد، حتی «در مقابل چشم همه از آسمان آتش بر زمین می باراند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۳). سپس این رویدادها به رویارویی مستقیم میان خدا و شیطان و میان کسانی که خدای حقیقی را پرستش می کنند و کسانی که «تصویر وحش» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۴) را می پرستند، منتهی می شود.

اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۸ را بخوانید. در این روایت چه اتفاقی می افتد که برخی از مسائلی که در رویدادهای پایانی آشکار خواهند شد، همانطور که در کتاب مکاشفه یوحنا دیده می شود را انعکاس می دهد؟

از بسیاری جهات، چیزی که در اینجا می بینیم یک تصویر کامل از نبرد بزرگ می باشد. ایلیا در آیه ۱۸ این مسئله را آشکارا بیان می کند: مردم شریعت خدا را کنار گذاشته اند و خدایان دروغین را پرستش و عبادت می کنند. آیا این همواره صرف نظر از اشکال و شیوه های بی

پایانی که این شرارت در طول تاریخ نمایان شده است، نبوده است؟ ما یا «او که آسمان و زمین، دریا و چشمه های آب را آفرید» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷)، پرستش می کنیم و یا چیز و یا کس دیگری را می پرستیم. در مورد مکاشفه یوحنا باب ۱۳ و اتفاقاتی که در آنجا آشکار می شوند، مردم بجای پرستش خداوند، وحش و تصویر او را می پرستند. هیچ حد وسطی وجود ندارد. ما یا در سمت خدا هستیم و یا در طرف شیطان. مسائل در معرض خطر تا این حد مهم می باشند، اکنون و بویژه در نبرد آرماگدون، جایی که همانطور که در روایت کوه کرمل خواهیم دید، تمایز بسیار واضح می شود.

۲۱ ژوئن

پنجشنبه

## آرماگدون و کوه کرمل: بخش دوم

اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱۸ تا ۴۰ را بخوانید. چه اتفاقی می افتد، داستان چگونه پایان می یابد، و (بدون تعبیر نادرست از تشابه ها) این روایت، آنچه اتفاق خواهد افتاد — اما در مقیاس بزرگ — چنانچه نبرد بزرگ در انتها به اوج می رسد، را چگونه منعکس می کند؟

نبرد بر کوه کرمل میان ایلیا، نبی خدا و ۴۵۰ راهب بعل بود. (توجه کنید که تا چه حد تعداد شر از خوبی بیشتر بود.) این آزمونی برای نشان دادن خدای حقیقی بود، خدایی که آسمان ها و زمین را خلق نمود، و یا بعل، نشان دیگری از «اژدها» و شیوه دیگری که او با آن بدنبال فریب جهان بود (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹). کشیشان به بعل دعا کردند تا آتش بفرستد و گاو قربانی آنها را بسوزاند. آنها از صبح تا ظهر فریاد زدند. ایلیا با طعنه گفت، «بلندتر او را صدا کنید ... شاید خوابیده باشد» (اول پادشاهان باب ۱۸ آیه ۲۷). کشیشان با آشفتگی در تلاش بودند. آنها آنقدر به خود شمشیر زدند تا خون براه افتاد. آنها خسته و فرسوده در زمان قربانی شب تسلیم شدند. قربانی ایلیا سه مرتبه خیس شد و آب از گودال بیرون ریخت. ایلیا دعایی ساده به خدا کرد. خدا بلافاصله همه چیز از جمله مذبج سنگی و خاک زیر آن را سوزاند. قدرت خدای حقیقی در مقابل بعل اکنون بی تردید مشخص بود.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳، باب ۱۹ آیات ۲۰ و ۲۱ را بخوانید و این آیات را با سرنوشت انبیاء دروغین بعل مقایسه کنید. در اینجا چه چیزی می بینیم؟

هر چه دست کم اکنون در مورد حارمجدون یا آرماگدون ناشناخته باقی بماند، ما نتیجه را می دانیم: نابودی دشمنان خدا و اثبات حقانیت خدا و مقدسین او.

اول قرنطیان باب ۱۵ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. اگر چه زمینه با آرماگدون متفاوت است، پولس به چه نکته ای اشاره می کند و چرا مهم است که ما آن را بویژه در زمینه رویدادهای آینده به یاد داشته باشیم؟ مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ را نیز ببینید که در آن زمینه قطعاً آرماگدون می باشد. این آیات با هم چه چیزی به ما می گویند؟

۲۲ ژوئن

جمعه

**تفکری فراتر:** «در مکان های مختلفی در روایت نبرد آرماگدون، موجودات شنیع و رویدادهای زشت برای لحظه ای به پشت صحنه می روند و نگاهی بیشتر به حقیقت شخصی نمایان می شود. همانطور که دیده ایم، یکی از آنها مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ می باشد: 'توجه کنید، من مثل یک دزد می آیم. خوشبحال کسی که آماده باشد و لباس خود را نگه دارد تا مجبور نشود عریان و شرمنده در جلوی چشم همه راه برود!' این آیه که دقیقاً در وسط مکانی در کتاب مقدس که در واقع نامش آرماگدون نام دارد، می آید، بسیاری از آیات عهد جدید درباره آمادگی فردی برای بازگشت عیسی و وقایع پایانی را منعکس می کند.

«آیه مشابه دیگر مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۴ می باشد: 'آنها با بره جنگ خواهند کرد، اما بره پیروز خواهد شد، زیرا اوست خداوند خداوندان و شاه شاهان و همراهان او که برگزیده و وفادار خوانده شده اند در پیروزی او شریک خواهند بود.' در اینجا نبرد بزرگ در پایان شامل ارتشی از مردم می باشد که هدف اصلی شان نابود کردن دیگران با سلاح نمی باشد بلکه هدف ایشان وفادار بودن به فراخوان و انتخاب الهی خود می باشد. این نوع کاملاً متفاوتی از نبرد نسبت به نبردهایی که ملت ها و شورشیان امروزه همچنان انجام می دهند، می باشد. همانطور که من بارها گفته ام، نبرد آرماگدون، مبارزه ای برای ذهن است. همچنین نبردی برای قلب می باشد — فراخوانده شدن به وفاداری قلبی به بره ای که قربانی شد (مکاشفه یوحنا باب ۵ آیات ۹، ۱۰ و ۱۲ و باب ۱۳ آیه ۸).» — جان پولین، Jon Paulien, *Armageddon at the Door* (Hagerstown, Md.: Autumn House Publishing, a division of Review and Herald Publishing Association, 2008), p. 193







## دختر ولخرج

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز کبود و با لباس پاره پس از یک شب مهمانی و در پی آن تصادف رانندگی به دلیل مستی، یک صبح روز سبت وارد کلیسا شد. او که عضو سابق کلیسای ادونتیست بود، مطمئن نبود اعضای کلیسا که برای مدت‌ها آن‌ها را نادیده گرفته بود، نسبت به حضورش عکس‌العمل نشان خواهند داد. اما دوستش چند ساعت پیش بر اثر تصادف کشته شده بود و او نیاز داشت به دنبال خدا باشد.

پیترز ۳۲ ساله که اکنون مبلغ تمام وقت است، گفت، «من آن تصادف را به عنوان یک زنگ خطر دیدم. متوجه شدم که زندگی چقدر شکننده است.» پیترز توسط مادر بزرگی ادونتیست در بندر اسپانیا، پایتخت کشور کارائیب ترینیداد و توباگو، بزرگ شد. او از سن کم باید در هر روز سبت در مراسم کلیسا شرکت می‌کرد. او پس از تعمیدش مقام‌های مختلف کلیسا را برعهده داشت، اما گفت که خدمتش واقعی نبود. پیترز گفت، «بخش زیادی از کودکی‌ام، هیچ ارتباطی با خدا احساس نکردم.»

او در ۱۸ سالگی خانه و کلیسا را ترک کرد تا زندگی خوشگذرانه را آغاز کند. سپس تصادف رانندگی اتفاق افتاد. پیترز و دو تا از دوستانش بعد از یک مهمانی جمعه شب با ماشین به خانه بازمی‌گشتند و راننده که مست بود، تصادف کرد. پیترز و راننده با خراش‌هایی فرار کردند اما دوستش، زنی ۲۶ ساله کشته شد.

پیترز به سرعت از صحنه تصادف برای بررسی به بیمارستان انتقال داده شد. سپس پلیس از او در اداره پلیس پرس و جو نمود. پس از آن، پیترز مستقیم به کلیسا رفت.

پیترز لباس مهمانی به تن داشت: پیراهنی کوتاه، گوشواره و آرایش. نمی‌دانست چه انتظاری داشته باشد. او به مدت هفت سال بود که در کلیسا عبادت نکرده بود.

شبان در حال آماده شدن برای شروع موعظه بود که پیترز از در وارد شد.

تمام چشم‌ها به سمت او چرخید. سپس اعضای کلیسا ناگهان شروع به خواندن سرود کردند.

پیترز گفت، «آنها مراسم را متوقف کرده و شروع به خواندن آواز نمودند، زیرا بسیار خوشحال بودند که من پس از سال‌های بسیار به کلیسا رفته بودم.»

این خوش‌آمدی شایسته پسر اسرافکار تمثیل عیسی در لوقا باب ۱۵ آیات ۱۱ تا ۳۲ بود.

در آن لحظه پیترز تصمیم گرفت زندگی خود را به عیسی بدهد و از نو شروع کند.

او گفت، «من با خدا قرار گذاشتم: همه چیز یا هیچ چیز. من با دیگر تعמיד داده شدم و اینجا بود که زندگی‌ام آغاز شد.»

درباره استارلن پیترز (سمت چپ) هفته بعد بیشتر بخوانید.